

بررسی ساختار جمله‌پایانی متن‌های کتاب نهم دینکرد

پورچیستا گشتاسبی اردکانی (دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه شهید بهشتی)

چکیده: در پژوهش حاضر به بررسی پیام گردآورندگان کتاب نهم دینکرد، که به صورت یک جمله چهار واژه‌ای در پایان هر متن آمده است، پرداخته خواهد شد. معنی و مفهوم جمله‌ها ناشی از چینش متفاوت واژه‌های است که در کل سه پیام مشخص دارد: ۱) پرهیزگاری بهترین آبادی است، ۲) آبادی بهترین پرهیزگاری است، ۳) پرهیزگاری و آبادی بهترین است. در متن مقاله ساخت این جمله‌ها و چینش آنها و نوع واژه‌ها در جمله، تجزیه و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: دینکرد نهم، فعل ربطی، اسم معنی، صفت برترین (عالی)، اصل ضرب در قانون احتمال

۱. مقدمه

دینکرد، مهمترین متن فارسی میانه به معنی «کرده دین» یا «اعمالِ دینی» یا «تألیفِ دینی» است (تفضلی ۱۳۷۶: ۱۲۸). این کتاب همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید بر پایه مطالب اوستا و شرح آن یعنی زند استوار است، ازین‌رو نام کتاب، موضوع آن را نیز مشخص می‌کند. این

اثر را دومناش «دایرۃ‌المعارفِ دین مزدایی» می‌نامد و با توجه به مطالب آن نامی مناسب هست. کتاب اثری است گردآوری شده (kardag) و نام دو تن از این گردآورندگان در آخرین فصل کتاب سوم آن یاد شده است و آگاهی‌هایی درباره گردآورندگان و درون‌مایه کتاب نیز در این فصل آمده است. برپایه این یادکردها و بنابر تصریح گردآورندگان، این کتاب بر اساس الهام دین به مزدیسنی به پیامبر آن، زردشت تنظیم شده و مطالب آن در بردارنده دانش‌هایی است که زردشت به نخستین پیروان خویش (اوستایی: pōryōtkēšān; پهلوی: ፩kaēša-) در آن آمده است، همانند خود کتاب اوستاست، فرمانروایی تازیان و آشفتگی پایان دوره ساسانی سببِ پراکندگی این مجموعه می‌شود تا آنکه آذرفرنبغ پسر فرخزاد، پیشوای بزرگ زردشتیان فارس، که همزمان با مأمون عباسی ۲۱۷-۱۹۸ ه. می‌زیست، به گردآوری و تنظیم مجده‌آن همت می‌گمارد. کار این گردآورندگان به سببِ بلایی که برای فرزندش پیش می‌آید، ناتمام می‌ماند. این آذرفرنبغ موبدی شناخته و فرهیخته بوده است. پس از فرنبغ موبدی دیگری به نام آذرباد فرزندِ امید (پهلوی: Ādurbād Ēmēdān) بر گردآوری مجده‌کتاب همت می‌گمارد و آنچه امروز در دست است، ظاهراً همان است که او آخرین بار فراهم آورده و خود بر آن نام «دینکرد هزار فصل» گذاشته است و بنا به یادکرد او نیز این کتاب، الهام خداوند به زردشت است که نسل به نسل به سنت شفاهی تا زمان اورسیده است. آخرین تألیف کتاب مربوط به قرن سوم هجری است (راشد‌محصل ۱۳۸۹: ۲-۱). کتاب نهم دینکرد شامل سه نسک اوستای دوره ساسانی است که امروزه اصل آنها را در دست نداریم. اگرچه این سه نسک جزو نسک‌های گاهانی بهشمار آمده‌اند، اما بسیاری از مطالب اساطیری در آنها آمده است که در جای دیگر اثری از آنها نمی‌یابیم. این کتاب بر اساس ترجمه‌ها و تفسیرهای اوستا تدوین شده است (آموزگار و تضليلی ۱۳۸۲: ۳۰).

در این پژوهش سعی شده است به سه پرسش زیر پاسخ داده شود: ۱. نوع واژه‌ها در جملهٔ پایانی متن‌های کتاب نهم دینکرد چیست؟ ۲. آرایش واژگانی در جمله‌های مذکور چگونه است؟ ۳. مفهوم جمله‌ها و مقصود گردآورندگان دینکرد نهم از جابه‌جا کردن واژه‌ها

در آنها چیست؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها، به بررسی جمله پایانی در همه متن‌های کتاب می‌پردازیم. برای این پژوهش جمله پایانی هر یک از متن‌های کتاب نهم دینکرد را در سه بخش بررسی می‌کنیم. بخش نخست که شامل بیست و دو فرگرد است و سوتگرنسک نام دارد، بخش دوم که بیست و سه فرگرد دارد و ورشت‌مانسرنسک نامیده شده، بخش سوم که شامل بیست و دو فرگرد است و باغنسک نام دارد. همچنین متنی با عنوان «درباره گزیده‌ای از همه هات» و متن پایان کتاب را که متنی کوتاه با عنوان «به نام دادور دادگر» است، بررسی خواهیم کرد تا مفهوم این جمله‌ها و مقصود گردآورندگان دینکرد نهم را دریابیم.

در آرایش واژگانی جمله‌های مورد نظر، از قانون احتمال شرطی، اصل ضرب استفاده شده است. برای به دست آوردن همه احتمالات شرطی در یک پدیده که دارای جزء ۱ تا n است از قاعدة ضرب استفاده می‌کنیم تا تمامی احتمالات قرارگیری جزء ۱ تا n را در پدیده مشخص کنیم. برای اثبات قاعدة ضرب، تعریف احتمال شرطی را در طرف راست رابطه می‌نویسیم (راس ۷۴-۷۵: ۱۳۹۰).

$$P(E_1) \cdot \frac{P(E_1 E_2)}{P(E_1)} \cdots \frac{P(E_1 E_2 \dots E_n)}{P(E_1 E_2 \dots E_{n-1})} = p(E_1 E_2 \dots E_n)$$

بدین صورت که در جمله‌ای که دارای ۴ واژه باشد، تعداد احتمالات برای آرایش واژگانی از ضرب زیر به دست خواهد آمد:

$$4 \times 3 \times 2 \times 1 = 24 = \text{تعداد احتمالات}$$

بدین ترتیب برای آرایش واژگانی جمله پایانی متن‌های کتاب نهم دینکرد که دارای ۴ واژه است، ۲۴ احتمال وجود دارد.

درباره دینکرد نهم تا کنون دو اثر به صورت رساله دانشگاهی در مقطع دکتری تدوین شده است. یکی رساله شادروان احمد تفضلی (۱۳۴۴) با عنوان «تصحیح و ترجمه سوتگر و ورشت‌مانسرنسک از دینکرد نهم و سنجش این دو نسک با متن‌های اوستایی با واژه‌نامه پهلوی - فارسی» و دیگری رساله فاطمه سیدی با نام «بررسی باغنسک از کتاب نهم دینکرد».

۲. ساختار جمله

جمله مورد بررسی در این پژوهش، جمله خبری ساده و دارای چهار واژه است: *ahlāyīh* که اسم معنی و بهمعنی «پرهیزگاری، نیکوکاری» است (مکنزی ۳۵: ۱۳۹۴)، *ābādīh* که اسم معنی و بهمعنی «آبادی، خوشبختی» است (همان: ۲۷)، *pāhlom* که صفت عالی و بهمعنی «بهترین، برترین» است (Nyberg 1979: 2/148) و فعل ربطی *ast* «است». واژه *pāhlom* و *ābādīh* می‌توانند در نقش نهاد (مسندالیه) قرار بگیرند. واژه *ābādīh* که صفت عالی است می‌تواند صفت برای واژه بعد از خود که اسم معنی *ahlāyīh* یا *ābādīh* است، باشد. به این صورت که *pāhlom* با اسم معنی بعد از خود، با هم نقش مسند را داشته باشند:

ahlāyīh pāhlom ābādīh ast.

ābādīh pāhlom ahlāyīh ast.

در جمله نخست *ahlāyīh pāhlom ābādīh* «پرهیزگاری» مسندالیه، *ābādīh* «بهترین آبادی» مسند، و *ast* «است» فعل ربطی است. در جمله دوم *ābādīh pāhlom* «آبادی» مسندالیه، *ahlāyīh* «بهترین پرهیزگاری» مسند، و *ast* «است» فعل ربطی است.

صفت عالی *pāhlom* همچنین بهتایی نقش مسند را در جمله دارد:

pāhlom ast ahlāyīh ābādīh.

در این جمله *ahlāyīh* و *ābādīh* هر دو نقش نهادی (مسندالیه) دارند. بدین معنی که «پرهیزگاری و آبادی بهترین است».

گردآورندگان کتاب، گویا قصد بازی با کلمات و جابه‌جایی واژه‌ها را در جمله داشته‌اند، همانند شاعران که در شعر خود واژه‌ها را در هم می‌ریزنند تا زیبایی و آهنگی شدن را به اشعار خود بخشند. علاوه‌بر زبان شعر که به ضرورت وزن و قافیه، نظم طبیعی و منطقی در آن برهم می‌خورد، در زبان محاوره و در زبان نویسندگان و استادان قدیم و جدید نیز برای تکیه و تأکیدی که بر یکی از اجزای جمله دارند یا به حکم ساخت خاص جمله یا به دلایل دیگر یا از روی تفّنن و بدون هیچ دلیلی، نظم جمله برهم می‌خورد و عناصر جمله را پس‌وپیش

می‌آورند (انوری و احمدی گیوی ۱۳۹۴: ۳۲۰). گرداورندگان دینکرد نهم، همه احتمالات را برای آرایش واژگانی جمله یادشده، استفاده کرده‌اند که جنبه تفنّن داشته است. همچنین این جابه‌جایی، جمله‌هایی با سه معنی و مفهوم متفاوت ساخته است:

ahlāyīh ābādīh pāhlom ast.
 ahlāyīh ābādāh ast pāhlom.
 ābādīh ahlāyīh pāhlom ast.
 ābādīh ahlāyīh ast pāhlom.
 pāhlom ast ahlāyīh ābādīh.
 pāhlom ast ābādīh ahlāyīh.
 ast ahlāyīh ābādīh pāhlom.
 ast ābādīh ahlāyīh pāhlom.

در این هشت جمله ahlāyīh و ābādīh موصوف برای صفت pāhlom نیستند و صفت pāhlom به‌تهايی نقش مسند را دارد و ahlāyīh و ābādīh هر دو نقش نهادی دارند. قرار ندادن *ud* (واو عطف) میان این دو برای حفظ شکل ظاهري جمله‌ها بوده که تنها چهار واژه یادشده در جمله قرار بگيرد. اين هشت جمله داراي يك معنی و مفهوم «پرهيزگاري و آبادي بهترین است» است.

شش جمله دیگر که دارای يك معنی هستند، به شرح زير است:

ahlāyīh pāhlom ābādīh ast.
 ahlāyīh ast pāhlom ābādīh.
 pāhlom ābādīh ahlāyīh ast.
 pāhlom ābādīh ast ahlāyīh.
 ast ahlāyīh pāhlom ābādīh.
 ast pāhlom ābādīh ahlāyīh.

در اين شش جمله واژه pāhlom صفت برای واژه ābādīh است و پيش از آن آمده است و هر دو با هم نقش مسند را يفا مي‌کنند. واژه ahlāyīh نقش نهادی دارد و اين جمله‌ها داراي معنی يكسان «پرهيزگاري بهترین آبادي است» هستند.

شش جملهٔ هم‌معنی دیگر به شرح زیر است:

ābādīh pāhlom ahlāyīh ast.
 ābādīh ast pāhlom ahlāyīh.
 pāhlom ahlāyīh ābādīh ast.
 pāhlom ahlāyīh ast ābādīh.
 ast pāhlom ahlāyīh ābādīh.
 ast ābādīh pāhlom ahlāyīh.

در این شش جملهٔ واژهٔ pāhlom صفت برای واژهٔ ahlāyīh است، زیرا پیش از آن آمده است و هر دو با هم نقش مسنده در جمله دارند. واژهٔ ābādīh نقش نهادی دارد و این شش جملهٔ دارای معنی یکسان «آبادی، بهترین پرهیزگاری است» هستند.

در جمله‌های زیر واژهٔ pāhlom صفت برای واژهٔ قبل از خود است و نویسندگان باید ī (كسرهٔ اضافه) را بین صفت و موصوف می‌آوردن، زیرا صفت بعد از موصوف آمده و مستلزم آوردن کسرهٔ اضافهٔ ī است. در فارسی میانه رابطهٔ میان صفتِ توصیفی و موصوف را – اگر صفت پیش از موصوف نیامده باشد – کسرهٔ اضافهٔ ī برقرار می‌کند (ابوالقاسمی ۱۳۹۵: ۵۹). وقتی ابهامی پیش نیاید در توالی اضافات، ادات اضافهٔ ī حذف می‌شود (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲: ۶۷). اما برای حفظ شکل ظاهری جمله با چهار واژه، نویسندگان از گذاشتن کسرهٔ اضافهٔ ī خودداری کرده‌اند.

ābādīh pāhlom ast ahlāyīh.
 ahlāyīh ast ābādīh pāhlom.
 ahlāyīh pāhlom ast ābādīh.
 ābādīh ast ahlāyīh pāhlom.

پس این چهار جمله باید به صورت زیر آورده می‌شدند:

1. ābādīh ī pāhlom ast ahlāyīh.

در این جملهٔ ahlāyīh نقش نهادی دارد و ābādīh ī pāhlom نقش مسنده در این جمله به معنی «آبادی بهترین است پرهیزگاری» است. می‌کند و جمله به معنی «آبادی بهترین است پرهیزگاری» است.

2. *ahlāyīh ast ābādīh ī pāhlom.*

در این جمله هم مانند جمله پیشین *ahlāyīh ī pāhlom* نقش نهادی و *ābādīh* نقش مسند را ایفا می‌کنند و معنی جمله مانند جمله پیشین این‌گونه است: «پرهیزگاری است آبادی بهترین».

3. *ahlāyīh ī pāhlom ast ābādīh.*

در این جمله واژه *ābādīh* نقش نهادی دارد و *ahlāyīh ī pāhlom* مسند است و معنی این جمله چنین است: «پرهیزگاری بهترین است آبادی».

4. *ābādīh ast ahlāyīh ī pāhlom.*

در این جمله همانند جمله پیشین *ābādīh* نقش نهادی دارد و *ahlāyīh ī pāhlom* نقش مسند را ایفا می‌کند و معنی همانند جمله پیشین به این صورت است: «آبادی است پرهیزگاری بهترین».

۳. بررسی جمله‌ها

آوانویسی جمله‌های پایانی بیست و دو فرگرد بخش نخست کتاب که سوتگرنسک نام دارد، در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱. جمله‌پایانی فرگردها در سوتگرنسک

فرگرد نخست (مَدَن ۱۳۹۶: ۷۸۸)	<i>ahlāyīh</i>	<i>ābādīh</i>	<i>pāhlom</i>	<i>ast</i>
فرگرد دوم (همان: ۷۸۸)	<i>ahlāyīh</i>	<i>pāhlom</i>	<i>ābādīh</i>	<i>ast</i>
فرگرد سوم (همان: ۷۸۹)	<i>ahlāyīh</i>	<i>ast</i>	<i>pāhlom</i>	<i>ābādīh</i>
فرگرد چهارم (همان: ۷۹۰)	<i>ābādīh</i>	<i>ahlāyīh</i>	<i>pāhlom</i>	<i>ast</i>
فرگرد پنجم (همان: ۷۹۰)	<i>ābādīh</i>	<i>pāhlom</i>	<i>ahlāyīh</i>	<i>ast</i>
فرگرد ششم (همان: ۷۹۲)	<i>ābādīh</i>	<i>ast</i>	<i>pāhlom</i>	<i>ahlāyīh</i>
فرگرد هفتم (همان: ۷۹۲)	<i>pāhlom</i>	<i>ahlāyīh</i>	<i>ābādīh</i>	<i>ast</i>
فرگرد هشتم (همان: ۷۹۴)	<i>ahlāyīh</i>	<i>ābādīh</i>	<i>pāhlom</i>	<i>ast</i>
فرگرد نهم (همان: ۷۹۴)	<i>pāhlom</i>	<i>ast</i>	<i>ahlāyīh</i>	<i>ābādīh</i>

فرگرد دهم (همان: ۷۹۶)	ast	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom
فرگرد یازدهم (همان: ۸۰۰)	ast	ābādīh	ahlāyīh	pāhlom
فرگرد دوازدهم (همان: ۸۰۱)	ast	pāhlom	ābādīh	ahlāyīh
فرگرد سیزدهم (همان: ۸۰۲)	ahlāyīh	ābādīh	ast	pāhlom
فرگرد چهاردهم (همان: ۸۰۳)	ahlāyīh	pāhlom	ast	ābādīh
فرگرد پانزدهم (همان: ۸۰۵)	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom	ast
فرگرد شانزدهم (همان: ۸۰۶)	ābādīh	ahlāyīh	ast	pāhlom
فرگرد هفدهم (همان: ۸۰۷)	ābādīh	pāhlom	ast	ahlāyīh
فرگرد هجدهم (همان: ۸۰۸)	ābādīh	pāhlom	ahlāyīh	ast
فرگرد نوزدهم (همان: ۸۱۰)	pāhlom	ahlāyīh	ast	ābādīh
فرگرد بیست و یکم (همان: ۸۱۵)	pāhlom	ābādīh	ast	ahlāyīh
فرگرد بیست و دوم (همان: ۸۱۷)	pāhlom	ābādīh	ahlāyīh	ast
فرگرد بیست و دوم (همان: ۸۱۸)	ast	pāhlom	ābādīh	ahlāyīh

در بیست و دو فرگرد نخست سوتگرنسک، گردآورندگان کتاب ترتیب خاصی را برای استفاده از تمام احتمالات ممکن استفاده نکرده‌اند. به همین دلیل گاهی تکرار در آرایش واژگانی جمله‌ها رخ داده است و جمله را به همان صورت در فرگرد دیگری تکرار کرده‌اند. احتمالاتی که برای چینش این چهار واژه در کنار هم وجود دارد، ۲۴ احتمال است که در بیست و دو فرگرد نخست از ۱۹ احتمال استفاده شده و ۵ صورت را در نوشتار خود استفاده نکرده‌اند. علت این اشتباه رعایت نکردن نظم در ترتیب چینش واژه‌ها بوده است. بدین صورت که جملهٔ پایانی فرگرد نخست (یتاهوویریو)، در پایان فرگرد هشتم و پانزدهم تکرار شده است و جملهٔ پایانی فرگرد پنجم در پایان فرگرد هجدهم تکرار شده و جملهٔ پایانی فرگرد دوازدهم، در پایان فرگرد بیست و دوم تکرار شده است. پنج احتمالی که نویسنده‌گان در آرایش واژگانی استفاده نکرده‌اند، به شرح زیر است:

1. ahlāyīh ast ābādīh pāhlom
2. ābādīh ast ahlāyīh pāhlom

3. pāhlom ast ābādīh ahlāyīh

4. ast ahlāyīh pāhlom ābādīh

5. ast ābādīh pāhlom ahlāyīh

به نظر می‌رسد نویسنده‌گان دقت لازم را در به کارگیری واژه‌ها در چهار جایگاه رعایت نکرده‌اند و از فرمول خاصی برای چنین بدون تکرار استفاده نکرده‌اند، برای همین بدون در ahlāyīh ābādīh pāhlom نخست را که ast بوده، در پایان فرگرد هشتم و پانزدهم تکرار کرده‌اند و نیز جمله فرگرد پنجم را که جمله فرگرد دوازدهم را که ast pāhlom ābādīh ahlāyīh بوده، دوباره در پایان فرگرد بیست و دوم تکرار کرده‌اند.

آوانویسی جمله‌های پایانی بیست و سه فرگرد بخش دوم کتاب که ورشت‌مانسرنسک نام دارد، در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. جمله‌پایانی فرگردها در ورشت‌مانسرنسک

فرگرد نخست (مَدَن ۱۳۹۶: ۸۲۲)	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom	ast
فرگرد دوم (همان: ۸۲۳)	ahlāyīh	ābādīh	ast	pāhlom
فرگرد سوم (همان: ۸۲۳)	ahlāyīh	pāhlom	ābādīh	ast
فرگرد چهارم (همان: ۸۲۳)	ahlāyīh	pāhlom	ast	ābādīh
فرگرد پنجم (همان: ۸۲۵)	ahlāyīh	ast	ābādīh	pāhlom
فرگرد ششم (همان: ۸۲۸)	ahlāyīh	ast	pāhlom	ābādīh
فرگرد هفتم (همان: ۸۳۱)	ābādīh	ahlāyīh	pāhlom	ast
فرگرد هشتم (همان: ۸۳۵)	ābādīh	ahlāyīh	ast	pāhlom
فرگرد نهم (همان: ۸۴۱)	ābādīh	pāhlom	ahlāyīh	ast
فرگرد دهم (همان: ۸۴۳)	ābādīh	pāhlom	ast	ahlāyīh
فرگرد یازدهم (همان: ۸۴۶)	ābādīh	ast	ahlāyīh	pāhlom

فرگرد دوازدهم (همان: ۸۴۹)	ābādīh	ast	pāhlom	ahlāyīh
فرگرد سیزدهم (همان: ۸۵۱)	pāhlom	ahlāyīh	ābādīh	ast
فرگرد چهاردهم (همان: ۸۵۴)	pāhlom	ahlāyīh	ast	ābādīh
فرگرد پانزدهم (همان: ۸۵۶)	pāhlom	ābādīh	ahlāyīh	[ast]
فرگرد شانزدهم (همان: ۸۶۰)	pāhlom	ābādīh	ast	ahlāyīh
فرگرد هفدهم (همان: ۸۶۱)	pāhlom	ast	ahlāyīh	ābādīh
فرگرد هجدهم (همان: ۸۶۴)	pāhlom	ast	ābādīh	ahlāyīh
فرگرد نوزدهم (همان: ۸۶۶)	ast	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom
فرگرد بیست (همان: ۸۶۷)	ast	ahlāyīh	pāhlom	ābādīh
فرگرد بیست و یکم (همان: ۸۷۰)	ast	ābādīh	ahlāyīh	pāhlom
فرگرد بیست و دوم (همان: ۸۷۲)	ast	ābādīh	pāhlom	ahlāyīh
فرگرد بیست و سوم (همان: ۸۷۳)	ast ast	pāhlom pāhlom	ahlāyīh ābādīh	ābādīh ahlāyīh

در بیست و سه فرگرد ورشت‌مانسنسک، همهٔ احتمالات ممکن برای آرایش واژگانی جمله‌ها به کار گرفته شده است، به این صورت که فرگرد نخست تا فرگرد بیست و دوم هر کدام یکی از صورت‌های آرایش واژگانی را در جملهٔ پایان خود دارد، اما فرگرد بیست و سوم دو جمله را با دو آرایش واژگانی متفاوت در انتهای خود دارد. نویسنده‌گان همهٔ ۲۴ احتمال ممکن را بدون خطأ و بدون تکرار در این بیست و سه فرگرد به کار بردند و از فرمول خاصی پیروی کردند، به این صورت که اگر یک واژه در جایگاه اول جمله باشد، شش احتمال برای سه واژهٔ دیگر وجود خواهد داشت که جایشان با هم عوض شود. برای جلوگیری از تکرار بعد از نوشتن یک جمله برای نخستین بار، جایگاه اول و دوم را در جملهٔ بعد با همان واژه‌های جایگاه اول و دوم پر کرده‌اند و آن را تغییر نداده‌اند و واژه‌های جایگاه سوم و چهارم را جایه‌جا کرده‌اند و سپس در جملهٔ بعد در جایگاه دوم واژهٔ جایگاه سوم را قرار داده‌اند و دوباره واژه‌های جایگاه سوم و چهارم را جایه‌جا کرده‌اند و با همین روش شش احتمال

ممکن را به شرطی که یک واژه در جایگاه نخست جمله باشد نوشته‌اند و پس از آن واژه جایگاه نخست را تغییر داده‌اند و دوباره شش احتمال را به شرطی که واژه جدید در جایگاه نخست باشد نوشته‌اند و قصدشان این بوده که هر ۲۴ احتمال در فرگردها به صورتی آورده شود که در فرگرد دیگری تکرار نشده باشد و با این فرمول سعی کرده‌اند که از آرایش واژگانی جمله در فرگردهای بعدی با همان صورت خودداری کنند. درواقع از احتمال شرطی، اصل ضرب استفاده کرده‌اند.

آوانویسی جمله‌های پایانی بیست و دو فرگرد بخش سوم کتاب نهم دینکرد یعنی بخش نسک و متن «گزیده‌ای از همه هات»، و سپس متن «دادور دادگر» که متن پایان کتاب است در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳. جمله‌پایانی فرگردها در بخش نسک تا پایان کتاب

فرگرد نخست (مدن ۱۳۹۶: ۸۷۶)	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom	ast
فرگرد دوم (همان: ۸۷۷)	ahlāyīh	ābādīh	ast	pāhlom
فرگرد سوم (همان: ۸۷۸)	ahlāyīh	pāhlom	ābādīh	ast
فرگرد چهارم (همان: ۸۸۴)	ahlāyīh	pāhlom	ast	ābādīh
فرگرد پنجم (همان: ۸۸۸)	ahlāyīh	ast	ābādīh	pāhlom
فرگرد ششم (همان: ۸۹۲)	ahlāyīh	ast	pāhlom	ābādīh
فرگرد هفتم (همان: ۹۰۳)	ābādīh	ahlāyīh	pāhlom	ast
فرگرد هشتم (همان: ۹۰۴)	ābādīh	ahlāyīh	ast	pāhlom
فرگرد نهم (همان: ۹۰۷)	ābādīh	pāhlom	ahlāyīh	ast
فرگرد دهم (همان: ۹۰۸)	ābādīh	pāhlom	ast	ahlāyīh
فرگرد یازدهم (همان: ۹۱۳)	ābādīh	ast	pāhlom	ahlāyīh
فرگرد دوازدهم (همان: ۹۱۸)	ābādīh	ast	pāhlom	ahlāyīh
فرگرد سیزدهم (همان: ۹۲۱)	pāhlom	ahlāyīh	ābādīh	ast
فرگرد چهاردهم (همان: ۹۲۳)	pāhlom	ahlāyīh	ast	ābādīh

فرگرد پانزدهم (همان: ۹۲۵)	pāhlom	ābādīh	ahlāyīh	[ast]
فرگرد شانزدهم (همان: ۹۲۶)	pāhlom	ābādīh	ast	ahlāyīh
فرگرد هفدهم (همان: ۹۲۸)	pāhlom	ast	ahlāyīh	ābādīh
فرگرد هجدهم (همان: ۹۳۰)	pāhlom	ast	ābādīh	ahlāyīh
فرگرد نوزدهم (همان: ۹۳۲)	ast	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom
فرگرد بیست‌ویکم (همان: ۹۳۴)	ast	ahlāyīh	pāhlom	ābādīh
فرگرد بیست‌ویکم (همان: ۹۳۶)	ast	ābādīh	ahlāyīh	pāhlom
فرگرد بیست‌ودوم (همان: ۹۳۶)	ast	ābādīh	pāhlom	ahlāyīh
دربارهٔ گزیده‌ای از همهٔ هات (همان: ۹۴۶)	ast	pāhlom	ahlāyīh	ābādīh
به نام دادورِ دادگر (همان: ۹۵۳)	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom	ast

در بخش سوم کتاب، یعنی بیست‌ودو فرگرد بعنسک به علاوهٔ متنی با عنوان گزیده‌ای از همهٔ هات، ۲۳ احتمال از ۲۴ احتمال ممکن، در آرایش واژگانی جمله‌های پایانی به کار رفته است. بدین صورت که هر متن جملهٔ پایانی صورتی دارد که در فرگردهای دیگر تکرار نشده است، به غیر از متن یازدهم که جملهٔ فرگرد دوازدهم در پایان آن تکرار شده است. در بخش سوم کتاب دینکرد نیز نویسندهان از همان فرمولی که در نوشتن جمله‌های بخش دوم به کار برده‌اند استفاده کرده‌اند، اما در فرگرد یازدهم دچار اشتباه شده‌اند و جملهٔ پایانی فرگرد ābādīh ast pāhlom دوازدهم را در فرگرد یازدهم نیز آورده‌اند، که این جمله به صورت ābādīh ast ahlāyīh pāhlom ahlāyīh است و به دلیل اشتباه صورت‌گرفته، جملهٔ ahlāyīh را که یکی از ۲۴ احتمال است اصلاً در بخش سوم به کار نبرده‌اند. جملهٔ پایان هر متن دارای یک صورت از بیست‌وچهار احتمال آرایش واژگانی است به جز متن «گزیده‌ای از همهٔ هات» که دو جمله را به دو صورت متفاوت در پایان خود دارد. متن پایانی کتاب دینکرد نهم یعنی متن «به نام دادور دادگر» با جمله‌ای در انتهای آن با همان صورتی که جملهٔ پایانی در فرگردهای نخست هر بخش آمده است، یعنی با جملهٔ ahlāyīh ābādīh pāhlom ast پایان یافته

است، اما واژه *ābādīh* به اشتباه به صورت *ābādag* آورده شده است که در جدول بالا به صورت درست نوشته شده است.

۴. نتیجه‌گیری

گرداورندگان دینکرد نهم با آوردن جمله‌ای با فعل اسنادی که دارای چهار واژه *ahlāyīh*، *pāhlom*، *ābādīh* و *ast* است، قصد دادن پیامی را به خواننده کتاب داشته‌اند که با تغییر جای این واژه‌ها در جمله، با استفاده از اصل ضرب در قانون احتمال شرطی و به کار بردن ۲۴ احتمال ممکن، سه پیام متفاوت را به خواننده کتاب رسانده‌اند:

۱. پرهیزگاری، بهترین آبادی است.
۲. آبادی، بهترین پرهیزگاری است.
۳. پرهیزگاری و آبادی بهترین است.

این سه جمله در حقیقت ترجمه دعای اسم و هو است، و این دعا در دین زردهشتی تعریف مشخصی دارد، اما در اینجا تنها ترجمه آن به لحاظ آرایش واژگانی بررسی شده است. نویسندگان کتاب نهم دینکرد با استفاده از هوش و فراستِ خود، فرمولی را برای به کارگیری هر ۲۴ احتمال در آرایش واژگانی جمله‌ها با چهار واژه یادشده ساخته‌اند، به این صورت که هنگامی که یک واژه را برای نخستین بار در جایگاه نخست جمله قرار داده‌اند، ۶ احتمال ممکن را برای قرارگیری سه واژه دیگر در سه جایگاه باقی مانده آورده‌اند، به این‌گونه که در جمله بعد واژه‌های جایگاه اول و دوم را تغییر نداده‌اند و واژه‌های جایگاه سوم و چهارم را جای‌جا کرده‌اند و سپس در جمله پس از آن در جایگاه دوم، واژه جایگاه سوم را قرار داده‌اند و دوباره همین روش را تکرار کرده‌اند، تا ۶ احتمال ممکن به شرطی که یک واژه در جایگاه نخست باشد نوشته شود و سپس واژه دیگری را در جایگاه نخست قرار داده‌اند و ۶ احتمال ممکن را برای آن نیز نوشته‌اند و این کار را برای واژه‌های بعد هم انجام داده‌اند تا نهایتاً ۲۴ احتمالی که برای جمله‌ها وجود دارد. با استفاده از این فرمول، امکان تکراری را که در بخش

نخست کتاب در جمله‌های پایان فرگردها روی داده است، به حداقل رسانده‌اند. همچنین نویسنده‌گان با نیاوردن واو عطف (ud) بین دو کلمه ahlāyīh و ābādīh که در جایگاه نهادی (مسندالیه) قرار دارند و نیز نیاوردنِ کسره اضافه (ī)، هنگامی که صفت عالی pāhлом پس از موصوف خود قرار گرفته است، شکل ظاهری جمله را با چهار واژه در همهٔ ۲۴ احتمال حفظ کرده‌اند.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۹۵، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران.
- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، ۱۳۸۲، زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن، تهران.
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن، ۱۳۹۴، دستور زبان فارسی ۲، تهران.
- تفضلی، احمد، ۱۳۴۴، تصحیح و ترجمه سوتگر و ورشت‌مانسربنگ از دینکرد ۹ و سنجش این دو نسخ با متن‌های اوستایی یا واژه‌نامه پهلوی - فارسی، دانشگاه تهران.
- ، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران.
- راس، شلدون، ۱۳۹۰، مبانی احتمال، تهران.
- راشدمحصل، محمدتقی، ۱۳۸۹، دینکرد هفتم، تهران.
- مکنزی، د.ن.، ۱۳۹۴، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران.

Madan, D., M., 1911, *Pahlavi Dinkard*, Part II, Bombay.
 Nyberg, H.S., 1974, *A Manual of Pahlavi*, vol. 2, Wiesbaden.